

قانون مطبوعات و ضرورت اصلاح آن

الیاس حضرتی، بدرالسادات مفیدی، احمد پورنجاتی، توشین جعفری، محمود علیزاده، نعمت احمدی

ضمیمه اعتماد، ش ۲۰۷۸، ۱۳۸۸/۷/۲۵



چکیده: مجموعه مقالاتی که با موضوع «مطبوعات» طرح شده است، در مجموع به جایگاه قانون مطبوعات و ضرورت اصلاح این قانون تکیه دارد. نویسندگان این مجموعه منفق القول هستند که قانون فعلی مطبوعات، باید اصلاح شود و ایرادات آن مرتفع گردد و اصولاً برخورد با نشریات و تعطیل کردن نشریات را برنمی‌تابند.

الیاس حضرتی:

قانون مطبوعات در کشورهای مختلف، براساس قوانین داخلی و فرهنگ‌های مختلف اشکال متفاوتی دارد. اما آنچه وجه مشترک این قوانین است و مادر ایران از آن عدول کرده‌ایم این است که در کشورهای دیگر، مرسوم نیست که مطبوعه‌ای را تعطیل کنند و این کار برای دولت‌ها کار دشوار و پرحاشیه‌ای به حساب می‌آید.

اما اینکه با هر بهانه و تخلف کوچکی، یک روزنامه تعطیل شود، سبب می‌شود از یک سو تعداد زیادی از افراد، که از این راه امرار معاش می‌کنند و زمینه تحقیق، تلاش و قلم‌فرسایی بر ایشان فراهم می‌آید، حقوق‌شان تضییع شود و از دیگر سو میلیون‌ها نفر از اعضای جامعه که به این طریق اطلاعات کسب می‌کنند و امکان افزایش آگاهی‌هایشان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌شود، از این امکان محروم شوند و مجموعه جامعه دچار خسارت شود، در صورتی که تنبیه افراد به جای تعطیل کردن روزنامه که می‌تواند جنبه

سمبلیک داشته باشد، هم باعث می شود فرد یا قشر آسیب دیده آرام شوند و هم این امکان برای روزنامه فراهم می شود که نسبت به جبران اشتباهی که شده اقدام کند؛ بنابراین طبیعی است که آرزوی همه افراد جامعه، چه روزنامه نگاران و چه روزنامه خوان ها این باشد که اصلاح قانون مطبوعات ما را به جایی برساند که دیگر خبری از تعطیلی و توقیف مطبوعات منتشر نشود.

دومین مسئله ای که ما در قانون مطبوعات کشورمان با آن مواجهیم و به رغم شیوه ای است که در اغلب کشورهای دنیا مرسوم است، همانا شیوه دریافت مجوز برای انتشار یک روزنامه است. چه دلیلی دارد دولت خودش را آواره این فرآیند کند. شاید بهتر باشد مطبوعات مانند هر حرفه دیگری، مجوز خود را از اتحادیه ای بگیرند که تشکیل می دهند. حال با این حساب باید از دولت پرسید؛ آیا دولت وجود مطبوعات مستقل را برای خود در دسر می داند یا اینکه آن را یک فرصت به شمار می آورد؟ متأسفانه برداشتی که از رفتار دولت می توان داشت این است که دولت حتی با مطبوعات بسیار سر به زیر و سر به راه مانند یک بچه ناخواسته رفتار می کند، در حالی که اگر بخواهیم عاقلانه رفتار کنیم، باید بدانیم دنیای اطراف ما دنیای رسانه است و جنگ دنیای مدرن جنگ رسانه ها. اتفاق ساده ای که الان می افتد به کوتاهی یک کلیک در یک صفحه اینترنتی در تمام دنیا منتشر می شود. بنابراین به نظر می رسد ما در این فضای ایجاد شده نسبت به تمام رسانه ها، چه رسانه های دیجیتال و چه رسانه های تصویری و چه مکتوب تغییر دیدگاه داشته باشیم، زیرا با سلیقه های محدود و نگاه تنگ نظرانه نمی توانیم در این جنگ رسانه ای عرض اندام کنیم.

اگر ما به دنبال انرژی هسته ای هستیم که دستیابی به آن برای ما، هم جنبه پیشرفت علم و فناوری دارد و هم به عنوان یک ابزار بازدارنده امنیتی محسوب خواهد شد، باید بدانیم از آن مهمتر توانمندسازی در عرصه رسانه است که اولین شرط وقوع آن فراهم آوردن یک میدان وسیع و عرصه فراخ برای رشد و توسعه رسانه هاست. باید بستری فراهم شود که مردم به اخبار و اطلاعات منتشر شده در رسانه ها، اعتماد کنند و فضا برای گردش آزاد اطلاعات مساعد باشد.

بنابراین مطلوب این است که قانون مطبوعات ما به سمت تکرر رسانه ای حرکت کند. اما این به آن معنا نیست که دولت با شیوه حمایت مالی و در نظر گرفتن یارانه نقدی، فضای رسانه های مکتوب را شلوغ و به هم ریخته سازد؛ چرا که اگر دولت این حمایت صرفاً مالی را

کنار بگذارد، خواه ناخواه تنها رسانه‌هایی می‌توانند در عرصه بمانند که یا هدف بزرگی دارند یا به لحاظ حرفه‌ای و به لحاظ اطلاع‌رسانی قدرتمند عمل می‌کنند و یا به خوبی توانسته‌اند کار فرهنگی را با کار اقتصادی تلفیق کنند. شاید بهتر باشد این یارانه را به شیوه‌ای در اختیار خوانندگان بگذارند تا اینکه آن را در مطبوعاتی که گاه تیراژشان حتی به هزار نسخه نیز نمی‌رسد، هدر دهند.

پدرالسادات مفیدی:

سال‌هاست در ضرورت اصلاح قانون مطبوعات، منازعات و چالش‌هایی را شاهدیم که بیش از داشتن قالب حرفه‌ای، متأثر از فضای سیاسی کشور بوده است. هر دو جناح سیاسی خواهان بازنگری در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ هستند. یک جناح محدودتر شدن فعالیت مطبوعات را هدف گرفته و از هر گونه برداشت مضیق از قانون مطبوعات و در مواقعی استفاده ابزاری از آن دریغ نکرده است. جناح دیگر که به لحاظ قدرت سیاسی در حال حاضر در موضع بسیار ضعیفی قرار دارد، آزادی مطبوعات را طالب است و قانون مطبوعات فعلی را با روح قانون اساسی با توجه به تأکید پاره‌ای از اصول آن بر آزادی بیان و اندیشه و ممنوعیت سانسور و به ویژه اصل ۱۶۸ در سازگاری کامل نمی‌بیند.

عمده‌ترین ایراداتی که از سوی اصلاح‌طلبان نسبت به مصوبه سال ۱۳۷۹ وجود داشت و اتفاقاً صاحب‌نظران و کارشناسان مستقل حوزه رسانه و به طور خاص مطبوعات با آنها هم رأی بودند: محدود شدن استقلال مطبوعات با گسترده کردن دایره اختیارات هیئت نظارت بر مطبوعات، عدم توجه به ماهیت و فلسفه وجودی اصل ۱۶۸ قانون اساسی در مواد مربوط به نحوه تشکیل هیئت منصفه در محاکم مطبوعاتی، وارد کردن عنصر تهدید و اعمال فشار به روزنامه‌نگاران از طریق تعمیم مسئولیت مدیران مسئول نسبت به مطالب مندرج در مطبوعات به نگارندگان آنها. زمانی که محافظه‌کاران در مجلس پنجم قانون سال ۱۳۶۴ را با رویکرد تهدید هر چه تمام‌تر مطبوعات تغییر دادند، اعتراض خود را از طریق صدور بیانیه و نامه‌های سرگشاده خطاب به مسئولان وقت اعلام کرد.

بر این اساس با توجه به واقعیت ساختار قدرت سیاسی در ایران، به نظر می‌رسد تا زمانی که چرخش روزگار به نفع اصلاح‌طلبان تغییر نیابد، اصلاح قانون مطبوعات در راستای برخورداری از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی ممکن نیست، ولی می‌توان امید داشت روزی عرصه مطبوعات در ایران، جولانگاه سیاسیون و اصحاب قدرت نباشد.

گفت‌وگو با احمد پورنجاتی:

○ دیدگاه شما نسبت به فرهنگ و قانون مطبوعات چیست؟

● در سال‌های اخیر دو مسئله مهم و اساسی به عنوان چالش‌های عرصه فرهنگ مطرح شده‌اند؛ یکی فقدان یک راهبرد و چشم‌انداز روشن و امیدبخش و برخوردار از ویژگی‌های متناسب با فرهنگ و آمیخته شدن سازوکارهای اداره این عرصه با اهداف دم دستی سیاسی است و دوم وضعیت نابسامان مدیریت فرهنگی کشور و عدم برخورداري مدیریت‌های ارشد فرهنگی از شایستگی‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های لازم برای ایفای این مسئولیت.

به نظر من پیش‌نیاز اساسی هر تحول و راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان و پریشان‌کنونی، رها کردن و خارج کردن این عرصه از دست کسانی است که اهل این کار نیستند و واگذار کردن این عرصه به خود اهالی فرهنگ است. هر چند با شرایط یأس‌آمیز و بسیار دلزده‌ای که در لایه‌های وسیعی از دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ و هنر کشور در حال حاضر مشاهده می‌شود که متأثر از عملکرد نامطلوب چند سال گذشته است. گمان نمی‌کنم به این آسانی این واگذاری صورت گیرد.

به عقیده من در عرصه مطبوعات، قانون باید در حد اعلی جنبه حمایتی داشته باشد و مبتنی بر دو گونه اعتماد باشد؛

۱. اعتماد به آگاهی و شعور مخاطبان و افکار عمومی و واگذاری سرنوشت مطبوعات به داوری افکار عمومی. اکثریت مردم قدرت انتخاب درست از نادرست را دارند و به طور طبیعی مطبوعاتی که برای جامعه مفید باشند مورد اقبال عمومی قرار می‌گیرند و اگر مفید نباشند کنار گذاشته می‌شوند.

۲. اعتماد دوم به احساس مسئولیت حرفه‌ای دست‌اندرکاران مطبوعات برمی‌گردد.

○ آیا اصلاح قانون مطبوعات می‌تواند مشکلات و معضلات حوزه مطبوعات کشور را مرتفع کند؟

● ببینید ابتدا باید یک فضای امن، امیدوارکننده، اطمینان‌بخش و دلچسب را برای کسانی که می‌خواهند در این حوزه فعالیت کنند به وجود بیاوریم، بعد به دنبال قانون‌گذاری یا اصلاح آن برویم. در واقع قانون در مرحله بعد از، ایجاد یک فضای امن برای هر فعالیتی است. قانون و مقررات هم باید اصول کلی و اصلی را تعیین کند و وارد جزئیات نشود. در قانون اساسی هم آمده است، فعالیت مطبوعاتی نباید مخل مبانی اسلام و منافع و حقوق عمومی باشد. بنابراین ورود قانون به جزئیات و محدودیت‌ها ضرورتی ندارد. من معتقدم اولین و مهم‌ترین اقدام

ضروری در عرصه مطبوعات قبل از هر نوع اقدام اصلاحی و قانونی این است که به این روند فعلی مایوس‌کننده، خاتمه داده شود و این احساس ناامنی حرفه‌ای و شغلی را که در اهالی مطبوعات به وجود آمده است از بین ببریم. فضای کنونی مطبوعات ما فضایی توفان‌زده، زلزله‌خیز و بی‌ثبات است. نهادهای صنفی مطبوعات، آماج برخوردهای لحظه‌ای هستند و هیچ اعتماد و اطمینانی به آینده وجود ندارد، بنابراین قانون و مقررات و حتی اصلاح آن زمانی مؤثر خواهد بود که فضا برای فعالیت مناسب باشد.

○ پس شما معتقدید ضرورتی برای اصلاح قانون مطبوعات وجود ندارد؟

● ببینید در اینکه باید قانون مطبوعات فعلی اصلاح شود، شک و تردیدی وجود ندارد، ولی حرف من این است که ما باید ابتدا نگرش مدیران سیاسی جامعه را نسبت به مطبوعات عوض کنیم؛ بعد از آن به دنبال اصلاحات برویم. امروز متأسفانه آسان‌ترین و بی‌هزینه‌ترین عرصه برای برخورد، ظاهراً عرصه مطبوعات است. وزارت ارشاد، هیئت نظارت، دستگاه قضایی و متأسفانه حتی بخشی از مطبوعات برخوردار از مصونیت آهنین، نسبت به همکاران خودشان هر نوع برخورد و تخریبی را می‌کنند. مشکل حاضر مطبوعات ما نبود اخلاق حرفه‌ای است و فضای ناامنی که وجود دارد. در درجه اول باید این احساس ناامنی را از بین برد و اخلاق حرفه‌ای را بهبود بخشید، سپس به دنبال قانون‌گذاری و اصلاح رفت.

نوشین جعفری:

بازخوانی پرونده قانون مطبوعات ایران نشان می‌دهد این قانون یکی از پرحاشیه‌ترین و جنجالی‌ترین قوانینی است که در ایران به تصویب رسیده و در طول این ۱۰۲ سالی که به عنوان یکی از متون قانونی به آن پرداخته شده، کش و قوس‌های فراوانی به خود دیده است. با پیروزی انقلاب و استمرار حکومت اسلامی، تغییرات عمده‌ای در ساختارهای کلان کشور به وجود آمد که موجب نگرش قوانین جدید شد، در نتیجه قانون مطبوعات نیز مورد بازنگری قرار گرفت. چهارمین قانون مطبوعات تحت عنوان «لایحه قانونی مطبوعات» در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ تدوین و تصویب شد. این قانون که در شرایط انقلابی آن دوره به رشته تحریر درآمده بود، ویژگی‌های اساسی را نیز دارا بود از جمله: ممنوعیت مقامات حکومت سابق از انتشار نشریه، تکمیل اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات، جرم شناختن سانسور و تعیین مجازات برای آن، به رسمیت شناختن تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاری، توجه به هیئت منصفه و نحوه انتخاب آن برای حضور در دادرسی‌های مطبوعاتی. دیری نپایید که این

قانون نیز مورد بررسی مجدد قرار گرفت و پنجمین قانون مطبوعات در اسفندماه سال ۱۳۶۴ و در دورانی که کشورمان هنوز درگیر جنگ با عراق بود، توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این قانون آخرین قانونی بوده که تاکنون به تصویب رسیده و اگر چه اصلاحیه‌های مختلفی بر آن وارد شده، اما هنوز با همان کلیات در حال اجراست.

ضرورت اصلاح قانون مطبوعات مسئله‌ای است که هنوز احساس می‌شود و روزنامه‌نگاران و اهالی مطبوعات بارها و بارها در مورد آن سخن گفته و قلم‌فرسایی کرده‌اند، اما این بار وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی روی آن انگشت نهاده و بحث اصلاح قانون مطبوعات را مطرح می‌کند.

ایرج جمشیدی دبیر سرویس سیاسی روزنامه دنیای اقتصاد پیشنهادش این است که در قانون مطبوعات باید از توقیف ناگهانی نشریات جلوگیری شود. او گفت: «قانونگذار باید در مجلس قانونی را تصویب کند که هیچ نهادی این اجازه را نداشته باشد که به صورت ناگهانی به یک روزنامه حکم توقیف دهد، حتی اگر این روزنامه در مظان جرم سنگین هم باشد. باید در دادگاه بررسی شود و بعد از اینکه مراحل قانونی به صورت کامل طی شد، اگر صلاح بود در مورد آن روزنامه یا مطبوعه حکم صادر کنند؛ ضمن اینکه قانون باید برای توقیف نشریات وجود نداشته باشد، در حالی که ما الان می‌بینیم به صورت آنی، حکم توقیف رسانه یا مطبوعه‌ای صادر می‌شود».

اکبر منتجبی دبیر سرویس سیاسی روزنامه توقیف شده اعتماد ملی نیز پیشنهادش را این چنین بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم کاری که در رابطه با قانون مطبوعات می‌توان انجام داد این است که وزارت ارشاد نگاه‌های نامطمئن و تولیتی که نسبت به مطبوعات دارد را حذف کند و در قانونی که تصویب می‌کند، اجازه دهد خبرنگاری که شناخته شده است و به واسطه کارهای درخوری که انجام داده، سابقه خوبی را کسب کرده، بتواند خودش بدون اینکه نیاز به اخذ مجوز از وزارت ارشاد داشته باشد، روزنامه یا نشریه‌ای را که می‌خواهد منتشر کند».

وی معتقد است این مهم‌ترین اتفاقی است که می‌تواند رخ دهد و وقتی روزنامه‌ها با این روش منتشر شوند، می‌توانند با ابداعات و ابتکاراتی که به خرج می‌دهند، خودشان را در بخش خصوصی نشان دهند و از این طریق در این بازار فعالیت کنند. اگر هم نتوانند، خود به خود از صحنه حذف می‌شوند. او همچنین می‌افزاید: «در حال حاضر روزنامه‌نگاران و روزنامه‌های مستقل همه در تنگنا و تحت شدیدترین فشارها هستند؛ یا به آنها مجوز

نمی‌دهند، با نشریات‌شان توقیف می‌شود یا اجازه انتشار نشریه ندارند».

جواد دلیری دبیر سرویس سیاسی روزنامه فرهیختگان نیز گفت: «من پیشنهاد می‌دهم بندی به قانون مطبوعات اضافه شود که در آن تأکید شده باشد مطبوعات به راحتی توقیف نشوند و با جریمه‌های جانبی دیگر یک روزنامه یا نشریه را حفظ کنند تا امنیت شغلی برای روزنامه‌نگاران فراهم شود. مثلاً توقیف یک روزه، جریمه نقدی، تغییر مدیر مسئول و از این دست جریمه‌ها می‌تواند کمک کند تا یک نشریه که مدتی از عمرش می‌گذرد و مخاطب خاص خودش را دارد، به صورت آئی توقیف نشود؛ چراکه توقیف یک نشریه از یک سو باعث سردرگمی مخاطبان آن نشریه می‌شود».

حسین عبداللهمی سردبیر روزنامه توقیف شده آرمان به یکی از بندهای قانون مطبوعات اشاره می‌کند که در آن مسئولیت مدیر مسئول را جدا از مسئولیت دست‌اندرکاران نشریه نمی‌داند. او در همین راستا می‌گوید: «مسئولیت دست‌اندرکاران یک چیز عام است و همین باعث می‌شود هر کسی را بتوانند با استناد به این بند بازداشت و محاکمه کنند. ضمن اینکه قانون مطبوعات فعلی آن امنیتی که باید برای خبرنگار و روزنامه‌نگار تأمین کند، تأمین نکرده، مثلاً این مسئله در نظر گرفته نشده که بعد از توقیف یک نشریه، حقوق بیکاری، بیمه و... برای روزنامه‌نگار چگونه تأمین شود».

او همچنین داشتن مطبوعات منتقد سالم را مشروط به تدوین قوانینی می‌داند که در آنها نگاه تنگ‌نظرانه و محدودکننده وجود نداشته باشد و می‌افزاید: «محدودیت‌ها باعث می‌شوند ما نتوانیم آن چیزی را که خود خواست مردم و مطالبه مردم از دولت و مسئولان است منعکس کنیم و همین باعث می‌شود مردم به رسانه‌های غیر خودی و بیگانه روی بیاورند و این معضلی برای کشور است، یعنی هر چقدر ما بخواهیم جلوی اطلاع‌رسانی را بگیریم، شاید بتوانیم در داخل موفق باشیم؛ اما این اطلاعات به جامعه و اجتماع خواهد رسید. حالا چه بهتر که آن اطلاعات، سالم و بدون غل و غش از طریق اعتماد و در چارچوب نظام باشد. در نتیجه من فکر می‌کنم تغییرات بایدگاه تنگ و محدودکننده جواب نخواهد داد و این باعث می‌شود مطالبات مردم انباشته شود و مطالبات مردم هم که انباشته شد، هزینه‌اش بالا می‌رود».

علی اصغر محکی مدیر مسئول و سردبیر روزنامه همشهری یکی دیگر از کسانی بود که با او در خصوص قانون مطبوعات و پیشنهادهایش برای اصلاح این قانون گفت و گو کردیم.

وی در این گفت و گو با اشاره به ضرورت اصلاح قانون مطبوعات گفت: لازم است قانون به گونه‌ای اصلاح شود که مطبوعات بتوانند رسالت حرفه‌ای خود را در فضایی برخاسته از حس مسئولیت اجتماعی و تعهد حرفه‌ای انجام دهند. محکی لازمه استقرار چنین فضایی را علاوه بر بازبینی قوانین مطبوعاتی، استقلال اقتصادی مطبوعات، رشد کیفی پیام‌آفرینان مطبوعات، روزآمد کردن روش‌های روزنامه‌نگاری و تجدید نظر در نظام جذب و به کارگیری روزنامه‌نگاران می‌داند.

به گفته محکی، در تمام قوانین مطبوعاتی یاد شده، «نظام پیش‌گیری» مبنای عمل بوده است که در آنها حداکثر سخت‌گیری اولیه برای راه‌اندازی نشریه اعمال می‌شود. در حالی که امروزه در بیشتر کشورهای دنیا، به جای نظام پیش‌گیری، «نظام تنبیهی» اساس قانون مطبوعات است. در نظام تنبیهی با ثبت نام اولیه و ارسال نخستین شماره، می‌توان آغاز به انتشار نشریه کرد و انتشار آن تا زمانی که تخلفی صورت نگرفته است، ادامه دارد؛ اما اگر براساس آنچه در قانون تصریح شده، خلافی مشاهده شود، از طریق دادگاه و قوه قضائیه برخورد لازم با آن صورت می‌گیرد. این در حالی است که در نظام پیش‌گیرانه، دریافت مجوز قبل از انتشار الزامی است. وی ادامه داد: اگر امروزه می‌بینیم نظام پیش‌گیرانه پس از یک قرن هنوز بر قوانین مطبوعاتی ما حاکم است، باید مجموعه‌ای از متغیرهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی را ردیابی کنیم. یکی از دلایل تداوم این وضعیت این است که مطبوعات ما نتوانستند از فضای آزاد پس از انقلاب بهره لازم و درست را ببرند و برخی بد اخلاقی‌ها و تخریب‌ها در آن فضا وجود داشت که البته بعد از آن هم، شرایط جنگ و تهدیدهای خارجی مانع شد فضای مطبوعات به سمت و سوی مناسبی پیش رود.

محکی تأکید کرد: خوب است با اصلاح قانون مطبوعات، نظام تنبیهی را جایگزین نظام پیش‌گیرانه کنیم تا در عمل نشان دهیم به رسانه‌های مکتوب درون نظام اعتماد داریم و با عمل و رفتار خود مدیران مطبوعات را به سمت درک مسئولیت اجتماعی در قبال نظام اجتماعی پیش ببریم، چرا که در همین چند ماه اخیر، بیشتر مطبوعات کشور نشان داده‌اند شرایط حساس سیاسی را درک می‌کنند و چه در حوزه مسائل داخلی و چه بین‌المللی با ملاک قرار دادن منافع ملی و مصالح اجتماعی، دولت‌مردان کشور را در مدیریت اوضاع همراهی می‌کنند.

گفت‌وگو با: محمود علیزاده طباطبایی

○ به نظر شما قانون فعلی مطبوعات دارای چه نواقص و کمبودهایی است؟

● یکی از مشکلات فعلی قانون مطبوعات، اختیارات وسیع قضایی است که در حد توقیف مطبوعات به هیئت نظارت بر مطبوعات داده شده است.

○ اما این تشکیلات غیر قضایی است.

● بله، دقیقاً مشکل همین جاست. اغلب روزنامه‌هایی که از طرف هیئت نظارت توقیف شده‌اند، خارج از ضوابط قانونی، پرونده‌شان هرگز به دادگاه ارسال نشده یا اگر ارسال شده، خیلی دیر بوده است. به همین دلیل است که ترکیب هیئت منصفه باید مردمی باشد نه دولتی تا بتواند از حقوق همهٔ نشریات، فارغ از دیدگاه سیاسی دفاع کند.

در قانون اساسی به صراحت آمده است که مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر در مواردی که به مبانی اسلام یا حقوق عمومی تعدی کنند. هر چند قانون عادی حق ندارد محدود و محدودیت‌ها را از حدودی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده، گسترده‌تر کند؛ اما قانون مطبوعات این محدودیت‌ها را توسعه داده است.

○ این مشکلات ناشی از چیست؟

● زیاده‌خواهی مقامات دولتی باعث این قضیه شده است. فرقی هم نمی‌کند، در همه دولت‌ها این مسئله وجود داشته است. به همین دلیل سعی کرده‌اند اختیارات مقام اجرایی را از حدود مقرر در قانون اساسی بیشتر کنند. دعوای مطبوعاتی دعوایی سیاسی است و در پرونده‌های سیاسی دستگاه قضایی از استقلال قانون خود استفاده نکرده است. به رغم اینکه به صراحت قانون مطبوعات، هیئت نظارت بلافاصله بعد از توقیف نشریه موظف به ارسال پرونده به مرجع قضایی است، بعضاً این کار بیش از شش ماه به طول انجامیده و دستگاه قضایی تاکنون در ارتباط با پرونده‌های مطبوعاتی بیشتر مصلحت‌اندیشی داشته تا اینکه قانون را اجرا کند.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی به استناد اصل ۱۷۶ قانون اساسی صرفاً در چارچوب قانون اعتبار دارد و اعتبار مصوبات شورای عالی امنیت ملی صرفاً زمانی است که در چارچوب موارد مذکور در اصل ۱۷۶ بوده و مصوبات آن به تصویب مقام رهبری برسد. اما تا آنجا که من اطلاع دارم، تصمیمات شورای عالی امنیت ملی به صورت شفاهی به مدیران مسئول ابلاغ می‌شود و مشخص نیست آیا این تصمیمات به تأیید مقام رهبری رسیده یا خیر؟ این از وظایفی است که دادسرا باید به آن توجه کند.

گفت‌وگو با: نعمت احمدی

○ در حال حاضر وضعیت مطبوعات به گونه‌ای است که با خطایی کوچک، به جای تذکر بلافاصله توقیف می‌شوند. به نظر شما مشکل چیست؟

● ضریب تحمل بعضی‌ها به شدت پایین است. من الان می‌گویم ضریب تحمل دولت پایین آمده است. اگر بپذیرند که مطبوعات، رکن چهارم آزادی بیان است و مطبوعات یک مرجع و نهادی است بدون اینکه دولت هزینه بکند، کارشناسان نظریه‌هایشان را در اختیار دولت قرار می‌دهند. از طرفی با نقدی که کارشناسان نسبت به عملکرد دولت انجام می‌دهند، دولت می‌تواند خودش را اصلاح کند یا کارهایش را زیر ذره‌بین ببیند و درست و غلط آن را ارزیابی کند. اما ضریب تحمل پایین آمده است. در تمام دنیا دولت‌ها چشمان‌شان به مطبوعات است که مطبوعات عملکرد آنها را محک بزنند تا نواقص کار خود را برطرف کنند و در این صورت پیشرفت هم می‌کنند. اما در ایران ضریب تحمل پایین آمده است.

○ ماده ۷ قانون مطبوعات چه مواردی را شامل می‌شود؟

● چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و پروانه آن لغو شده است یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل شده است. انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن با آنچه متقاضی به نوعی به آن متعهد شده است مغایر باشد. امتیاز نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود. انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز مدیر مسئول و نشانه ارائه نشریه و چاپخانه آن؟ توزیع و فروش نشریات مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعاتی و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیئت نظارت بر مطبوعات مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نیست. پس در این ماده ما نمی‌توانیم چیزی پیدا کنیم که به هیئت نظارت بر مطبوعات اختیار بسته شدن نشریه را داده باشد. همین قانون ناقص هم اجرا نمی‌شود.

در گذشته پرونده نشریه به دادگاه ارسال می‌شد و دادگاه اگر تشخیص می‌داد، آن نشریه را می‌بست. حالا حتی فرصت بستن به دادگاه هم داده نمی‌شود. تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، پرونده آن نشریه را به دادگاه برای تعیین تکلیف بفرستد و نظر قضایی را برعهده دادگاه بگذارد؛ چرا که بستن مطبوعات هزینه‌های سنگین هم سیاسی و هم اقتصادی دارد. نشریه یک بنگاه اقتصادی است، وقتی که بسته شد، همه چیزش پراکنده می‌شود. وقتی هم پراکنده شد، دیگر نمی‌شود کاری برایش انجام داد.

فکر می‌کنم عالم‌آعامداً این خطی که ادامه پیدا می‌کند، نگاه‌ها را از درون کشور به بیرون معطوف می‌کند. شما ببینید سایت‌ها، رادیو و تلویزیون‌های مختلفی که در خارج از کشور راه‌اندازی شده‌اند؛ بیشترین مخاطبان را به سمت خودشان سوق داده‌اند. ما داریم متأسفانه

نگاه بومی را که من و شمای روزنامه‌نگار داریم و تحت هیچ شرایطی حاضر نیستیم وضعیت داخلی‌مان را به هم بریزیم از نوشتن منع می‌کنند و به همین دلیل نگاه‌ها به سمت بیرون می‌رود. من در جایی خواندم که ما نسبت به جمعیت‌مان بیشترین مراجعه به اینترنت را در خارج از کشور داریم. علت چیست؟ علت آن همین محدودیت‌هایی است که برای مطبوعات ایجاد می‌شود.

○ خیلی‌ها معتقدند مواردی در مورد آزادی مطبوعات در قانون اساسی وجود دارد که قانون عادی آن را تحت الشعاع قرار داده است.

● دقیقاً من هم همین عقیده را دارم. قانون مطبوعات مخالف چند اصل از اصول قانون اساسی در آزادی عقیده و بیان است. شما اگر به مشروح خبرگان اول قانون اساسی نگاه کنید، می‌بینید آنچنان با سعه صدر و با بزرگواری که لازمه اداره یک مملکت است به آزادی بیان و آزادی قلم نگاه کردند که تعجب می‌کنید چطوری ما از آن سعه صدر و از آن نگاه عمیق اسلامی، ملی، میهنی مبدل شدیم به وضع امروز که به یک نگاه بسته‌ای در قانون مطبوعات رسیده‌ایم.

● اشاره

نجفعلی غلامی

مباحث مطرح شده در این مجموعه مقالات، از جهاتی قابل تعمق و مورد استفاده می‌باشد و دربرگیرنده مباحث عینی جامعه است. البته برخی نکات قابل دقت نظر بیشتری است که ذیلاً بدان می‌پردازیم:

۱. یکی از نویسندگان مطرح می‌کند که در سایر کشورها هیچ روزنامه‌ای از سوی دولت تعطیل نمی‌شود، بنابراین تعطیل شدن برخی نشریات در ایران خلاف جهت حرکت همه کشورهاست!

آیا به واقع می‌توان این ادعا را پذیرفت، اگر آزادی مطبوعات و اندیشه و بیان مطالب در غرب و اروپا بدون خطوط قرمز آزاد است، پس چگونه است که پرداختن به مسئله «هولوکاست» یک جرم تلقی می‌شود و اجازه طرح این موضوع داده نمی‌شود. مردم دنیا چه مقدار از جزئیات حادثه ۱۱ سپتامبر اطلاعات پیدا کردند؟ و موارد مشابه زیاد دیگری در غرب موجود است. از سوی دیگر اگر امری دارای توجیه عقلایی باشد، مورد حمایت عقلاء جامعه خواهد بود. توقیف نشریات متخلف اگر بدون دلیل و استنادات قانونی صورت گیرد، قطعاً امری ناپسند و نامعقول است، اما اگر با مدرک و دلیل و مستند به قانون باشد، نه تنها ناراحت‌کننده نیست؛ بلکه این کار مورد حمایت جامعه خواهد بود. واقعیت

انکار ناپذیر این است که هر جامعه و حکومتی در هر کجای عالم، برای خود خطوط قرمز تعریف شده‌ای دارد و باید آنها رعایت شود. نشریاتی که سرانجام آنها به تعطیلی منجر می‌شود، معمولاً هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را رعایت نکرده‌اند، شاهدش اینکه بسیاری از مطبوعات و نشریات، اگر چه دارای چهره‌ای منتقد هستند، اما با رعایت موازین همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.

لازم به تذکر است که در قانون مطبوعات به حقوق مطبوعات و نشریات عنایت کافی شده است. در فصل سوم، ماده سوم قانون مطبوعات می‌خوانیم: مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادهای را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. البته ذیل همین ماده در قالب تبصره بیان شده است که انتقاد سازنده، مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد. در ماده چهار همین فصل به استقلال مطبوعات اشاره شده و این چنین آمده: هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

۲. اشکال دیگری که مطرح شده این است که دولت نباید خود ناظر و متصدی نظارت بر مطبوعات باشد. این اشکال در ابتدا ظاهراً وارد است، زیرا دولت که خود مسئول اجرای امور کشور است، باید به طور دقیق مورد نقد قرار گیرد و اگر خود ناظر بر مطبوعات باشد، به طور طبیعی بر مطبوعات اعمال نظر می‌کند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. دولت در حقیقت هماهنگ‌کننده نظارت بر مطبوعات است. طبق ماده ۱۰ قانون مطبوعات، اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و معتقد به انقلاب اسلامی تشکیل می‌شوند که عبارتند از:

(الف) یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه؛

(ب) وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده ایشان؛

(ج) یکی از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس؛

(د) یکی از اساتید دانشگاه؛

(ه) یکی از مدیران مسئول مطبوعات؛

(و) یکی از اساتید حوزه علمیه؛

(ز) یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.

بنابراین به وضوح روشن شد که مجموعه نظارتی بر مطبوعات لجنه‌ای از فرهیختگان از عرصه‌های مختلف است که دولت فقط وظیفه و اختیار هماهنگ و برگزاری جلسات هیئت نظارت را دارد و تصمیم‌گیری نهایی براساس نظرات اعضای هیئت است که دولت فقط یک عضو دارد. چه اینکه در تبصره ۴ ماده ۱۰ آورده شد که: وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسات می‌باشد.

۳. در قسمتی از این مجموعه آمده است که قانون مطبوعات مخالف صریح با اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. برای پاسخ، ابتدا باید دید که اصل ۱۶۸ قانون اساسی در صدد بیان چه مطلبی است. این اصل می‌گوید: رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند. حال باید دید آیا واقعاً قانون مطبوعات با این اصل در تعارض است؟ با مراجعه به قانون مطبوعات، اصولاً تضاد و تعارض دیده نمی‌شود.

در فصل ششم ماده ۳۴ آمده است: رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلابی یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است. بنابراین روشن شد که مواردی که قانون اساسی در اصل ۱۶۸ لحاظ کرده در قانون مطبوعات رعایت شده است.

۴. در قسمت پایانی این مجموعه با استناد به ماده ۷ قانون مطبوعات ادعا شده است که هیئت نظارت حق توقیف هیچ‌گونه نشریه‌ای را ندارد و مستشکل محترم توجه کافی به همه مواد قانون مطبوعات را میدول نداشته‌اند. اختیار توقیف نشریات برای هیئت نظارت اگر چه در ماده ۷ نیامده است، اما در مواد دیگر به صراحت بیان شده است. در تبصره ماده ۱۱ از فصل پنجم قانون مطبوعات تصریح شده است در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیئت نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره‌های آن، پروانه نشریه لغو می‌شود.

بنابراین هیئت نظارت طبق نص صریح قانون این حق را دارد که با نشریات متخلف برخورد نماید و لغو امتیاز کند.

۵. در یکی از مباحث این مجموعه ادعا شده است که قانون مطبوعات فعلی با اصولی که در قانون اساسی پیرامون آزادی بیان و قلم آمده، مخالف می‌باشد. باید به این نکته اشاره نمود واقعیت این است که قانون اساسی ج ۱۰۱۰، در مباحث آزادی بیان و قلم با دیدی باز وارد شده است، اما هیچ‌گاه این آزادی را مطلق بیان نکرده و حدود و قیودی برای آن آورده است؛ به‌عنوان مثال اصل ۲۴ قانون اساسی پیرامون آزادی مطبوعات می‌گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می‌کند» که اشاره به قانون مطبوعات است و همچنین پیرامون آزادی احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی در اصل ۲۶ قانون اساسی، این آزادی را مشروط به این امر می‌کند که اصول استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نقض نشود.